



بنیاد پژوهش‌های اسلامی  
آستان قدس‌سُرخی

# فِي حَابَلِ إِمَامٍ عَلَى عَلِيٍّ السَّلَامُ

مجموعه مقالات (عربی و فارسی)

## در سایه سار امام علی السلام

مجموعه مقالات (عربی و فارسی)

# جایگاه و ابعاد شخصیت مذهبی زید بن علی بن الحسین

## در حدیث پیامبر و امامان

حجۃ الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا جواهری<sup>۱</sup>

### مقدمه

زید بن علی بن الحسین از خاندان بزرگ و ارجمند پیامبر خداست. وی از امامزادگان بی نظیری است که از اصحاب سه امام بوده است. او در مدرسه اهل بیت در مکتب امام سجاد پدر خویش و امام محمد باقر برادر خویش و امام جعفر صادق فرزند برادر خویش، تربیت شد و رشد کرد.

او پس از حماسه حسینی و قیام سیدالشهداء به خون خواهی شهیدان کربلا به پا خاست و برای خدا قیام کرد و شهید شد. باید شخصیت وی را شناخت و عملکرد او را تحلیل نمود. آیا زید می تواند اسوه حسناءی برای جهانیان باشد؟ گفتار و رفتار وی از کجا الهام گرفته است؟ نظریه متفکران شیعه امامیه اثنی عشری درباره زید چیست؟ شخصیت زید یکی از محورهای اشتراکات امامیه و زیدیه است. باید در راه وحدت مذاهب اسلامی و همبستگی امت اسلامی چهره های

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد javaheri@ferdowsi.um.ac.ir

قدس مشترک را شناخت و شناساند و از این راه پیوندهای مذهبی را استوار و پایدار ساخت.

هدف این مقاله، شناخت شخصیت حقیقی زید و هویت او نزد امامیه است. برای این منظور، بهترین و معتبرترین منبع، احادیث پیامبر خدا<sup>صلی الله علیہ و آله و سلم</sup> و امامان<sup>علیہم السلام</sup> و سنت معصومان است.

این احادیث در کتب حدیثی و تاریخی پراکنده است. محقق در این پژوهش کوشش کرده است زوایای پنهان شخصیت زید را تنها بر اساس سنت و حدیث معصومان<sup>علیہم السلام</sup> آشکار سازد، چون حدیث اهل بیت برای امامیه و زیدیه هر دو می‌تواند روشنگر و راهگشا باشد.

### شخصیت زید<sup>علیہ السلام</sup> در کلام پیامبر اعظم<sup>صلی الله علیہ و آله و سلم</sup>

پیامبر خدا در سخنان خویش از آینده خبر داده و از شخصیت و قیام زید به نیکی یاد نموده اند. محمد بن حسن به سندش از عبدالملک بن ابی سلیمان آورده است که پیامبر خدا<sup>صلی الله علیہ و آله و سلم</sup> فرمود: **يُقَاتَلُ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِيْ فَيُصْلَبُ** ، لاتری الجنة عین رأت عورته<sup>۱</sup>؛ مردی از اهل بیتم به شهادت می‌رسد، پس به دارآویخته خواهد شد، هر چشمی که به عورت اونگاه کند بهشت را نخواهد دید.

بر اساس این حدیث نبوی قداست و احترام زید آن قدر بالاست که پس از شهادت وی هر کس به دیدن بدن به صلیب کشیده اش برود و به عورت او بنگرد از دیدن بهشت محروم می‌گردد. چنین حکمی درباره هیچ شهید مصلوب دیگری صادر نشده است. نظر به عورت انسان‌ها حرام است اما محرومیت از دیدن بهشت با نگاه به عورت زید از احکام انحصاری است و همین حکم نشان دهنده

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۰۹؛ اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، ص ۱۳۱.

جایگاه عالی زید در پیشگاه خدای سبحان و پیامبر خدا در این حدیث تصریح نموده اند که زید از «اهل بیت» پیامبر است، یادآوری این واقعیت نیز نشان دهنده جایگاه برتر زید در نزد رسول خداست.

علی بن عباس به سندش از جابر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که پیامبر خدا علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود: يَخْرُجُ رَجُلٌ مِّنْ صُلْبٍ يُقالُ لَهُ زَيْدٌ، يَتَخَطَّى هُوَ وَاصْحَابُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِقَابُ النَّاسِ عَرَا مُحَاجِلِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ از صلب تو مردی به دنیا می آید که به او زید گفته می شود. او و یارانش در روز قیامت بر دیگران برتری دارند و با چهره زیبا و نورانی محسور می شوند و بی حساب وارد بهشت می گردند.

در این حدیث شریف نبوی از قیام و شهادت زید و سرانجام کار آنان در روز قیامت خبر داده شده است. وضعیت زید و یارانش در هنگام محاسبه اعمال انسان ها در روز قیامت، یک وضعیت فوق العاده و شگفت انگیز است، زیرا تنها در صورتی که اقدامات زید و یارانش الهی و با اذن و نظر امام معصوم و ولی عصر باشد و خدا و پیامبر از انگیزه و اهداف آن خشنود باشند می توانند بی حساب در ازدحام قیامت وارد بهشت شوند. این گزارش و پیش بینی پیامبر خدا از وضعیت زید و اصحابش در روز قیامت، همه ابهامات و تردیدها درباره قیام و اقدامات زید را از بین می برد و زید و یارانش را در هاله ای از نور قرار می دهد.

تصریح پیامبر بمحشور شدن زید و اصحابش، با چهره های زیبا و نورانی، الهام بخش درستکاری و تقوی و اخلاص و رستگاری آنان است.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شيخ صدوق)، عيون اخبار الرضام علیه السلام، ج ۱، ص ۵۱۸؛ مجلسی، محمد باقر، پیشین، ج ۴۶، ص ۱۷۰ و ص ۱۷۱ و ص ۲۰۹؛ اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبين، ص ۱۳۱؛ امین، محسن، اعيان الشيعة، ج ۷، ص ۱۰۷.

همین حدیث را یحیی بن زید از پدرش زیدبن علی از پدرش امام حسین علیه السلام از قول پیامبر خدا نقل کرده است<sup>۱</sup>. محمدبن مسلم گفته است امام محمد باقر علیه السلام از پدر خویش امام سجاد علیه السلام نقل کردند که امام حسین علیه السلام فرمودند: وضع رسول الله یاده علی کتفی و قال یا حسین یخرج من صلبک رجل یقال له زید یُقتل مظلوما، اذا كان يوم القيمة حشر واصحابه الى الجنة<sup>۲</sup>; پیامبر خدا دست خویش را بربازوی من گذاشتند و فرمودند: ای حسین! از صلب تو مردی می آید که به او زید گفته می شود. مظلومانه به شهادت می رسد، زمانی که روز قیامت شود او و اصحابش به سوی بهشت محشور می گرددند.

تصریح پیامبر خدا بربهشتی شدن زید و اصحابش راهنمای تحلیلگران و محققانی است که در جست وجوی ماهیت قیام زید و کشف صداقت و هویت دینی او می باشدند. این حقیقت نیز شایسته درنگ است که راوی این حدیث از پیامبر خدا امام حسین علیه السلام بوده اند و امام سجاد علیه السلام پدر زید آن را گزارش کرده اند. پیامبر خدا در الگوسازی شخصیت زید به همنام او احترام گذارده و اظهار محبت نموده اند و زید را محبوب اهل بیت خویش نامیده اند. حذیفه بن یمان گفته است: نظر رسول الله الى زید بن حارثة فقال: المقتول في الله والمصلوب في امتى والمظلوم من اهل بيته سمى هذا. وأشار بيده الى زید بن حارثة فقال: ادنى متنى يا زید! زادك اسمك عندي حباً فانت سمي الحبيب من اهل بيته<sup>۳</sup>; پیامبر خدا علیه السلام به زید بن حارثه نگریست پس گفت: کشته شده و شهید در راه خدا و به دار آویخته در امتم و مظلوم از اهل بیتم همنام این مرد است! به دست خویش به

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۹۹.

۲. همان، ص ۲۰۰.

۳. همان، ج ۴۶، ص ۱۹۲؛ قمی، شیخ عباس، سفينة البحار و مدينة الحكم والآثار، ج ۱، ص ۵۷۷.

قیام خواهم کرد.

آری پیامبر خدا<sup>صلی الله علیه و آله و آسیه</sup> آن گونه زید را مستوده اند و زید نیز این گونه از شخصیت مقدس والهی پیامبر پاسداری می کند و اعلام آمادگی می نماید کیفر ساب النبی (دشمن دهنده به پیامبر) را اجرا کند.

### دو امتیاز زید در کلام امام علی

سیمای زید بن علی بن الحسین<sup>صلی الله علیه و آله و آسیه</sup> در خطبه ای از امیر مؤمنان امام علی<sup>صلی الله علیه و آله و آسیه</sup> تبیین شده است . امام علی<sup>صلی الله علیه و آله و آسیه</sup> به مردم چنین هشدار داده اند : ایها الناس ائی دعوتكم الى الحق فتولیتم عَنْهِ و ضربتكم بالذلة فأغیيْتُمُونی ، أما انہ سیلیکم بعدی وَلَةً لا يرضون منکم بذلك حتى يعذّبکم بالسياط وبالحديد ، فاما انا فلا اعذبکم بهما انه من عذب الناس فى الدنيا عذبه الله فى الآخرة و آية ذلك ان یاتیکم صاحب اليمن حتى یخلُ بین اظهرکم فیأخذ العمال و عمال العمال رجل یقال له یوسف بن عمرو یقوم عند ذلك رجل من اهل البيت فانصروه فانه داع الى الحق ، فکان الناس یتحدثون ان ذلك الرجل هو زید؟ ای مردم ! من شمارا به حق دعوت نمودم ، از من روی برگرداندید و شمارا با دره<sup>۲</sup> زدم ، از همراهی و راه رفتمن بازماندید . آگاه باشید پس از من برای شما والیانی آیند که به این قدر از شمارا راضی نمی شوند تا اینکه شمارا با تازیانه و آهن عذاب می کنند ، اما من شمارا با آنها عذاب نمی نمایم . هر کس در دنیا مردم را عذاب کند خداوند در آخرت او را عذاب نماید و نشانه این واقعیت اینکه شمارا صاحبی می آید که خون شمارا پیش رویتان حلال می کند ، سپس مردی به نام یوسف بن عمر کارگران و کارگران کارگران را می گیرد و در آن هنگام مردی از ما اهل بیت قیام می کند ، پس او را یاری کنید :

۱. قمی، شیخ عباس، سفينة البحار، ج ۱، ص ۵۷۸.

۲. ذرہ: چیزی شبیه به چوب دستی.

زیرا او دعوت کننده به حق است . مردم با استفاده از این سخن می گفتند که آن مرد زید است ،

زید بن علی را یوسف بن عمر عبدالملک، به شهادت رسانده است .<sup>۱</sup> این مطلب گواه ارتباط این سخنان با زید می باشد .

امیر مؤمنان امام علی علیه السلام در این سخن خویش دو ویژگی شخصیت زید را اعلام نموده و دستور به باری او داده اند . زید را «داعی الى الحق» نامیده اند ، این نشانه حق گرایی زید و حقانیت قیام اوست . او را از اهل بیت قرار داده اند که طراز شخصیت او را بالا می برد و به عموم مردم امر کرده اند : زید را باری کنید ! این فرمان نیز حرکت زید در صراط مستقیم هدایت را آشکار می سازد .

محمدبن حنفیه در مدرسه پدرش امام علی علیه السلام حقایق حیات سیاسی زید بن علی را آموخته بود که به عون بن عبدالله و زید بن حسن هشدار می دهد : هر کس زید بن علی را باری نکند خداوند او را در آتش افکند .<sup>۲</sup>

### زید راوی خطبه حضرت فاطمه علیها السلام و مدافع شخصیت الہی ایشان

زید بن علی از نسل فاطمه زهراء علیها السلام بود . وی در مجلس طاغوت زمان هشام بن حکم در برابر او می ایستد و او را به تقوادعوت می نماید . زمانی که هشام وی را فرزند کنیز می نامد ، زید در پاسخ هشام خود را فرزند حضرت فاطمه علیها السلام می شناساند و می گوید : قد کانت ام اسماعیل امة لام اسحاق فلم یمنعه ذلك ان بعثه الله نبیاً و جعله للعرب ابا فاخرج من صلبه خیر البشر محمد صلوات الله علیه و آله و سلم . فتقول لی

۱. اربیل، کشف الغمة فی معرفة الانتماء علیها السلام، ج ۲، ص ۳۰۳ .

۲. شیخ صدق، الامالی، مجلس ۵۴، ص ۲۵۹ و ص ۲۶۰؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۷؛ اصفهانی، ابوالفرح، مقالل الطالبین، ص ۱۲۲ .

هذا و انا ابن فاطمة و ابن علی<sup>۱</sup>؛ مادر اسماعیل کنیزی برای مادر اسحاق بود و این واقعیت، اسماعیل را از اینکه خداوند او را به پیامبری برانگیزد منع نکرد و خداوند او را پدر عرب قرار داد و از صلب وی بهترین بشر حضرت محمد<sup>علیه السلام</sup> را به دنیا آورد، پس توبه من فرزند کنیز می‌گویی، در حالی که من فرزند فاطمه<sup>علیها السلام</sup> و فرزند علی<sup>علیها السلام</sup> می‌باشم؟!

زید در شوق یادگیری آموزه‌های فاطمی، خطبه حضرت فاطمه<sup>علیها السلام</sup> را از عمه اش زینب دختر امام علی<sup>علیها السلام</sup> فراگرفت و روایت کرد.<sup>۲</sup>

زید در معزکه نبرد با بنی امية و اهل شام در کوفه، سواری از مردم شام از قبیله کلب را دید که به میدان آمد و شروع کرد به ناسرا گفت: نیست که فاطمه زهراء<sup>علیها السلام</sup>، دختر پیامبر خدا<sup>علیه السلام</sup>. زید که سخنان وی را شنید به شدت گریست به گونه‌ای که محاسن وی ترشد و مکرر فرمود: اما احد یغضب لفاطمه بنت رسول الله؟! آیا یکی نیست که برای فاطمه دختر پیامبر خدا خشمگین شود؟ آیا کسی نیست برای رسول الله خشمگین گردد؟ آیا فردی نیست که برای خدا خشم کند.

سعید از اصحاب زید آن مرد شامی را شناسایی کرد و او را بروی قاطرش با ضربه شمشیر گردن زد، به گونه‌ای که سرشن پیش پای قاطرش افتاد. زید پیش وی آمد میان دو چشم او را بوسید و گفت: به خدا انتقام مارا گرفتی، به خدا به شرف دنیا و آخرت و اندوخته هر دور سیدی، این قاطر را بردار که من آن را به تو بخشیدم.<sup>۳</sup>

زید، فاطمه زهراء<sup>علیها السلام</sup> را مادر خویش می‌نامید. جعفر بن زیاد احمر گفته است:

۱. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین بن علی، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ج ۳، ص ۲۰۶.

۲. قمی، شیخ عباس، سفينة البحار، ج ۱، ص ۵۷۸.

۳. اصفهانی، ابوالفرج، مقائل الطالبین، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.

زیدبن علی آیه را فرائت نمود : «وَكَانَ أَبُوهُمَّا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَلْعَأَا أَشْدَهُمَا وَيَسْخُرْجَا كَتْزَهُمَا» (کهف/ ۸۲) سپس گفت : حفظهمما الله بصلاح ایههما فمن اولی بحسن الحفظ متا؟ رسول الله جدنا وابنته امنا و سیدة نسائه جدتنا و اول من آمن به و صلی معه ابونا؛ خداوند گنج آن دو کودک را به دلیل صلاح پدرشان حفظ نمود، پس چه کسی سزاوارتر از ما در حسن حفظ است؟ پیامبر خدام صلوات الله عليه جد ما، و دختر پیامبر مادر ما، و سیده وسرور زنان جده ما، و نخستین کسی که به پیامبر ایمان آورد و با پیامبر نمازگزارد پدر ماست.

### زید در نگاه پدر خویش امام سجاد علیه السلام

امام زین العابدین علیه السلام نخستین آموزگار و مریسی فرزند خویش زیدبن علی بوده‌اند. زید در مدرسه امام سجاد علیه السلام تربیت وبا معارف اهل بیت آشنا شد و در راه رشد و کمال گام برداشت و در بین امامزادگان در اوج قرار گرفت. امام چهارم علیه السلام فرزند خویش زید را بسیار دوست داشتند و او را اهل جهاد و شهادت و آشنای اسمان ها می‌دانستند.

در باره نامگذاری زید دو گزارش روشنگر و راهگشا وجود دارد. ابو حمزه ثمالي گفته است: زمانی که حج به جامی آوردم، خدمت امام علی بن الحسن زین العابدین علیه السلام رسیدم. امام فرمودند: ای ابا حمزه! آیا از رؤیایی که دیده ام با تو سخن بگوییم؟ دیدم داخل بهشت شدم. پس حوریه‌ای که نیکوتراز او ندیده بودم نزد من آمد. هنگامی که بر تختم تکیه داده بودم شنیدم گوینده ای می‌گوید: ای علی بن حسین برای زید به شما تهنیت می‌گوییم! ای علی بن حسین برای زید به شما تبریک می‌گوییم! پس زید بر شما تهنیت و تبریک باد!

۱- شیخ صدق، الامالی، ص ۲۶۳؛ مقید، محمد بن محمد بن نعمان، الامالی، مجلس ۳، ص ۱۱۶؛

مجلس، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۷۲.

ابو حمزة گفته است: سال بعد حج به جا آوردم، نزد امام سجاد علیه السلام رفتم و در زدم، در را روی من گشود، وارد شدم. امام زید را در دست خود گرفته آوردند. پس به من فرمودند: ای ابا حمزة! این است تأویل رؤیای من در سال قبل، خداوند آن را حق قرار داد.<sup>۱</sup>

براساس این حدیث، ولادت زید با رؤیای صادقانه از حوریه بهشتی و همراه با تهنیت و تبریک بهشتی بوده است.

در گزارش دیگر چنین آمده است: زمانی که امام سجاد علیه السلام می خواست زید را نامگذاری نماید، قرآن را گشود، به آن نگریست نخستین آیه بالای ورقه «فضل الله للمُجاهِدين» (نساء/ ۹۵) بود، قرآن را بست دوباره باز کرد آیه «إِنَّ اللَّهَ أَشَرَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ» (توبه/ ۱۱۱) آمد، فرمود: هو والله زید فستمی زیداً. به خدا سوگند او زید است؛ پس اورا زید نامید.

در این رویکرد قرآنی برای نامگذاری زید، امام سجاد علیه السلام با مشاهده دو آیه جهاد و شهادت و آگاهی از غیب و آینده وی، اورا زید نامیدند تا مجاهد شهید راه خدا شود.

حالد مولی آل زیرگفته است: در حضور امام زین العابدین بودیم، پس فرزند خود زید را صدرازد. زید بر صورت به زمین خورد و خون از صورت او جاری شد. امام خون از روی او پاک می کرد و فرمود: اعیذک بالله ان تكون زیداً المصلوب بالکناسة، من نظر الى عورته متعمداً أصلى الله وجهه النار<sup>۲</sup>; تورا به خدا پناه می دهم که تو همان زیدی باشی که در کناسه کوفه به دار او بخته شود، هر کس پس ا

۱. شیخ صدقون، الامالی، مجلس ۵۴، ص ۲۶۰؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۶۹ - ۱۷۰.

۲. قمی، شیخ عباس، سفیة البحار، ج ۱، ص ۵۷۷.

۳. اصفهانی، ابو الفرج، مقائل الطالبین، ص ۱۳۲؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۰۹.

شهادت وی بالای دار از روی عمد به عورت او بینگرد خدا رویش را با آتش دوزخ سوزاند.

امام سجاد علیه السلام در این کلام خویش، قداست و حرمت برجسته زید را آموزش داده اند و از این راه حقانیت راه و قیام وی را اعلام نموده اند.

معمر گفته است خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم، زیدبن علی بن حسین امدو چارچوب در را گرفت، مادر زید نیز حضور داشت امام صادق علیه السلام از قول پدرشان امام باقر علیه السلام نقل کردند که امام سجاد علیه السلام - پدر زید - فرموده اند: انه يخرج من ولده رجل يقال له زيد، يقتل بالکوفة ويصلب بالکناسة يخرج من قبره بشاء، تُفْتَح لروحه ابواب السماء يتبعه بـ اهل السماوات، يجعل روحه في حوصلة طير خضربيسرح في الجنة حيث يشاء؛ همانا از بین فرزندان ایشان مردی خروج و قیام خواهد کرد که به او زید گفته می شود، در کوفه شهید می گردد و در کناسه به دار اویخته خواهد شد، پس از شهادت و دفن، نیش قبر می شود و از قبر خارج می شود. درهای آسمان برای روح او گشوده می شود، اهل آسمان ها با دیدن او شاد و خوشحال می شوند، روح او در چینه دان پرندۀ ای سبز قرار می گیرد و در بهشت هر جا بخواهد سیر می کند.

در این حدیث نیز امام سجاد علیه السلام از شهادت و دار زدن زید خبر داده اند و اورا انسان کامل بزرگی دانسته اند که درهای آسمان به روی او باز می شود و اهل آسمان از دیدن او شاد و خرم می گردند.

### زید کاتب صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه کتاب راهنمای سبک زندگی اسلامی است. امام سجاد علیه السلام در

۱. شیخ صدق، الامالی، مجلس ۱۰، ص ۳۴-۳۲؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۶۸.

این کتاب با سلاح دعا راه چگونه زیستن مقدس و متعالی را به بشریت آموخته‌اند. ادعیه حیات بخش ائمه معصومین علیهم السلام قرآن صاعد<sup>۱</sup> است. در بین دعاهای امامان علیهم السلام ادعیه صحیفه سجادیه جایگاه ویژه‌ای دارد. صحیفه سجادیه رازیور آل محمد علیهم السلام<sup>۲</sup> و انجیل اهل بیت علیهم السلام<sup>۳</sup> و اخت القرآن<sup>۴</sup> نامیده‌اند. این اسماء نمایانده جایگاه عالی صحیفه سجادیه در نزد پیروان اهل بیت علیهم السلام است. این کتاب از نظر سند متواتر است و زید بن علی بن الحسین علیهم السلام نقش اصلی و برخسته را در آن دارد. مطابق سند موجود در آغاز همه چاپ‌های عربی و ترجمه صحیفه سجادیه، زید بن علی بن الحسین علیهم السلام این دعاها را از پدر خویش امام زین العابدین علیهم السلام فراگرفت و نوشت. امام صادق علیهم السلام<sup>۵</sup> دقت و درستی صحیفه سجادیه به خط عمومی خویش زید را تایید و تصدیق نموده‌اند.

بنابراین زید کوشش کرده است دعاهای امام سجاد علیهم السلام را گردآوری نماید و بنویسد. زید کاتب صحیفه سجادیه بوده است و از پیشگامان تصنیف کتاب در جهان اسلام است و نخستین کسی است که صحیفه سجادیه را نوشت. این شهر آشوب در نقد محمد غزالی در معرفی پیشگامان تصنیف در اسلام می‌نویسد: صحیح این است نخستین کسی که در اسلام تصنیف کرد امیر مؤمنان علیهم السلام بود که کتاب خدا فرقان را جمع کرد، پس از او سلمان فارسی و پس از او ابوذر غفاری و

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۱.

۲. همان، فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، ص ۳؛ امامی، محمد جعفر و محمدرضا آشتیانی، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، ص ۴۲.

۳. داماد، سید محمد باقر، شرح الصحیفه الکامله السجادیه، ص ۴۵؛ خلجی، محمدرضا، ترجمه صحیفه کامله سجادیه، ص ۲۱.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۲۶.

پس ازا او اصبع بن باته و پس ازا او عبیدالله بن ابی رافع و سپس صحیفه کامله از زین العابدین علیهم السلام بوده است .<sup>۱</sup>

در آغاز صحیفه سجادیه موجود، سلسله سندان با نام راویان ذکر شده است . سند به متوكل بن هارون می رسد که می گوید: یحیی بن زید بن علی را پس از شهادت پدرش هنگامی که به خراسان می رفت ملاقات کردم، پس بر او سلام نمودم ... پس فرمود: آگاه باش که اکنون به تونشان دهم صحیفه ای از دعاء کامل از آنجه پدرم از پدرش نقل نموده و مرا به نگهداشت و جلوگیری از کسی که اهل آن نیست سفارش کرده است ... پس ازان، یحیی جامه دانی خواست و صحیفه قفل زده مهر کرده ای از آن بیرون آورد و به مهر نگاه کرد و آن را بوسید و گریه کرد. سپس مهر را شکست و قفل را گشود و صحیفه را باز کرده بر چشم خود نهاد و به روی خوبیش مالیید . یحیی صحیفه سجادیه را به متوكل بن هارون داد، تا امانت نزد او بماند و پس از شهادت یحیی آن را به دو پسر عمومیش محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله بن حسن بن علی برساند . متوكل ادامه می دهد: صحیفه را گرفتم و چون یحیی بن زید کشته شد به مدینه بازگشتم و خدمت امام صادق علیهم السلام رسیدم و سرگذشت یحیی را برای آن بزرگوار گفتم، پس گریه کرد و بر او سخت اندوهناک شد و فرمود: خدا پسرعمویم زید را بیمارزد و به پدران و اجدادش برساند . امام صادق علیهم السلام به متوكل فرمودند: اکنون آن صحیفه کجاست؟ گفتم این است صحیفه ای پس آن را گشود و فرمود: به خدا قسم این خط عمومیم زید و دعای جدم علی بن حسین علیهم السلام است . سپس به فرزند خوبیش اسماعیل فرمود: ای اسماعیل برخیزد دعایی که تو را به حفظ و نگهداری اش امر نمودم بیاور . اسماعیل برخاست و صحیفه ای بیرون آورد که گویا همان صحیفه ای بود که یحیی بن زید به من داده

بود. پس امام صادق آن را بوسید و بر چشم خود نهاد و فرمود: این نوشته پدرم و املای جدم است در حضور من! گفتم ای فرزند رسول خدا اجازه می دهی آن را با صحیفه زیدویحیی مقابله نمایم؟ حضرت اجازه داده و فرمود: تورا برای این کار سزاوار دیدم. پس دیدم هردو صحیفه برابر است و در آن صحیفه (که امام به من داد) یک حرف نیافتم که برخلاف آنچه در صحیفه دیگری (یحیی) است باشد. متوكل بن هارون در پایان از امام صادق اجازه می گیرد صحیفه زید را براساس وصیت یحیی به ابراهیم و محمد فرزندان عبدالله بن حسن برساند و امام آن دورا احضار نمودند و متوكل صحیفه زید را به آنان داد.

### وجه اشتراک مذاهب

صحیفه سجادیه نزد مذاهب شیعه امامیه اثنی عشریه و زیدیه و اسماعیلیه اعتبار دارد<sup>۱</sup> و از مشترکات بین پیروان این سه مذهب است. صحیفه سجادیه از

۱. داماد، سید محمد باقر، شرح الصحیفة الكاملة السجادیة، ص ۴۵-۶۴؛ غیض الانلام، ترجمه و شرح صحیفه کاملة سجادیه، ص ۶-۱۷؛ الہم فمشهای، مهندی، ترجمة صحیفه سجادیه، ص ۳-۱۲. خلیجی، محمد تقی، ترجمة صحیفه کاملة سجادیه، ص ۲۷-۴۲.

۲. به همت مجتمع جهانی اهل بیت<sup>۲</sup> و برخی نهادهای علمی ایران اسلامی و حمایت های مراجع تقلید شیعه، همایش بین المللی ناصر کبیر (اطروش) اول و دوم بهمن ۱۳۹۲ در محمودآباد مازندران برگزار شد.

در این همایش دو کمیسیون نهج البلاغه و صحیفه سجادیه فعالیت می کرد. ۱۲ نفر از علمای زیدیه یمن در این همایش حضور داشتند. مجموعه مقالات همایش در دو جلد به زبان های فارسی و عربی انتشار یافت و زندگینامه ناصر کبیر زیدی به قلم علامه بدراالدین الحوتی چاپ شد.

محورهای اصلی سخنرانی اندیشمندان زیدیه از کشور یمن تأکید بر نقش امورهای نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و ظرفیت های آنها در یوون رفت از مشکلات جهان اسلام به ویژه عقاید تکفیری و تفرقه افکنانه، و ایجاد انس و الفت و وحدت بین مسلمانان به ویژه پیروان اهل بیت بود. در این همایش عبدالمحیمد الحوتی درباره کتب مرجع اندیشه شیعه زیدی، می گوید: در اندیشه شیعه

طريق هرسه، مذهب متواتر است و در اعتقاد هرسه یک کتاب مرجع برای رشد و کمال می باشد. طريق آن نزد امامیه از متوكل بن هارون گزارش شد. براساس این طريق، صحیفه سجادیه کتابی است که زید از دعاها پدرش امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> تصنیف نموده است. پس او کاتب صحیفه سجادیه و پیشگام در نوشتن آن بوده است. امام محمد باقر<sup>علیه السلام</sup> و زید فرزندان امام زین العابدین هر کدام یک نسخه از صحیفه سجادیه داشته اند که دقیقاً با هم برابر بوده است. متوكل بن هارون کتاب صحیفه کامله سجادیه را به خط زید از فرزندش یحیی بن زید دریافت نمود و از طريق او به محمد و ابراهیم و دیگران رسید.<sup>۱</sup> این دعاها حتی نزد عame و اهل سنت رواج یافت و آنان نیز از آن بهره برده اند.<sup>۲</sup>

### شرح زیدیه بر صحیفه سجادیه

اندیشمندان زیدیه همانند متفکران شیعه امامیه برای صحیفه سجادیه ارزش فائل اند و پژوهش ها و شروحی برای آن نوشته اند. ابوالحسن عبدالله بن ابوالقاسم زیدی یعنی صاحب *كتاب المتنع المختار در فقه زیدیه*: سید محمد بن زید حسنی صنعتی از علمای زیدیه در قرن دوازدهم هجری قمری (م ۱۱۴۹) و سید محسن بن فاسم بن اسحاق صنعتی زیدی از علمای زیدیه در قرن سیزدهم هر کدام شرحی بر صحیفه سجادیه نوشته اند.

زیدی، چهار مرجع برای اندیشه اسلامی وجود دارد: اول قرآن کریم. دوم احادیث پیامبر که همه فرق اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند. سوم نهج البلاغه که اصول کلی فردی و اجتماعی مسلمانان را مشخص کرده است. چهارم صحیفه سجادیه. وی تصریح می کند: صحیفه سجادیه فقط کتاب دعا نیست، بلکه ارتباط صحیح بین عبد و پروردگار را مشخص می کند. همچنین مسائل مربوط به زندگی را در این دعا اعلام می کند. (خبرگزاری اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup>، ABNA.ir).

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۹۹ و ۲۰۰.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۵، ص ۱۱۳ و ۱۱۶، ص ۱۷۸ و ۱۸۶ و ج ۱۱، ص ۱۹۲.

## زید در کلام برادر

زید در مدرسه اهل بیت تربیت شد. وی در خدمت پدرش امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> و همراه برادرش امام محمد باقر<sup>علیه السلام</sup> گام بر می داشت. زید و امام باقر<sup>علیه السلام</sup> دو برادر وفادار و همکار بوده اند و هر یک از دیگری دفاع کرده است. ابویعقوب مقری از بزرگان زیدیه و عمروبن خالد از رئیسان زیدیه نقل کرده اند که ابوالجارد رئیس زیدیه گفته است: نزد ابو جعفر امام باقر<sup>علیه السلام</sup> نشسته بودم، زید آمد، هنگامی که امام باقر<sup>علیه السلام</sup> به او نگاه کرد فرمود: هذا سید اهل بیتی و الطالب باوتارهم؛<sup>۱</sup> این مرد سور اهل بیتم و خون خواه اهل بیت و طالب انتقام خون های آنان و دادخواه ظلم و ستم های رفته برآنان است.

در نقل دیگر، عمروبن خالد از قول ابوالجارد چنین آورده است: نزد امام باقر نشسته بودم، زید وارد شد. امام همان طور که او می آمد به وی نگاه کرد و فرمود: هذا سید من اهل بیته و الطالب باوتارهم لقد أنجيئت أم ولدك يا زید؛<sup>۲</sup> این مرد آقا و سروری از اهل بیتش و خواستار انتقام خون آنان است. ای زید به تحقیق مادری نجیب ترا زایده است.

در این دو حديث شریف، امام باقر<sup>علیه السلام</sup> «زید را از» «أهل بیت» دانسته و سید و مهترو برتر در اهل بیت شمرده اند. این تعبیر زیبای «سید اهل بیت» نشان دهنده یک ویرگی بسیار با ارزش برای زید است.

در این حديث شریف امام باقر<sup>علیه السلام</sup> از «نجابت» مادر زید یاد نموده اند. مادر زید کنیزی بود که ابواسحاق مختار بن ابی عبید ثقیلی به سی هزار درهم خرید، چون اورا

۱. رجال الکشی، ص ۱۵۱؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۹۴؛ موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۴۸.

۲. شیخ صدوق، الامالی، مجلسی، ۵۴، ص ۲۶۰؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۷.

درست مشاهده نمود گفت : ما اری احذا حق بھا من علی بن الحسین فبعث بها  
الیه و هی ام زیدین علی<sup>۱</sup> ، من کسی را سزاواری و شایسته تراز علی بن الحسین <sup>علیه السلام</sup>  
برای او سراغ ندارم . به همین سبب او را برای امام سجاد <sup>علیه السلام</sup> فرستاد و آن کنیز مادر  
زیدین علی است . بنابراین امام باقر <sup>علیه السلام</sup> به مادر اندرخوبیش احترام می گذارند و او را  
مادری نحیب می نامند و به برادر خود زید برای داشتن چنین مادری تبریک  
می گویند .

در هردو حدیث نقش انقلابی زید و روحیه جهادی وی یادآوری گردیده است :  
زید دادخواه اهل بیت و مجاهد و طالب حقوق اهل بیت است و شخصیت  
ایشارگری است که در راه انتقام اهل بیت از دشمنان ، گام برمی دارد .

محمدبن مسلم گفته است خدمت زیدین علی <sup>علیه السلام</sup> رسیدم و گفتم : گروهی  
گمان می کنند تو صاحب امر امامت هستی ! زید گفت : من امام نیستم ولکن از  
عترتم . گفتم : چه کسی پس از شما امر امامت را برعهده دارد ؟ زید گفت : هفت  
تن از خلفا و جانشینان پیامبر که مهدی از آنان است .

محمدبن مسلم پس از این گفت و گو خدمت امام باقر <sup>علیه السلام</sup> می رسد و از این  
گفت و گو خبر می دهد . امام باقر <sup>علیه السلام</sup> می فرمایند : صدق اخی زید ، صدق اخی زید .  
سیلی هذا الامر بعدى سبعة من الاوصياء والمهدى منهم ؟ راست گفت برادرم  
زید ، راست گفت برادرم زید ! به زودی پس از من این امر را هفت تن از اوصياء بر  
عهده خواهند گرفت و مهدی از آنان است .

در این حدیث دوبار سخنان زید را تصدیق فرموده و او را درست گفتار  
شناخته اند .

۱. اصفهانی، ابوالفرح، مقاتل الطالبين، ص ۱۲۹؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۰۸.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۰۰.

جابر جعفی گفته است : خدمت امام باقر<sup>علیه السلام</sup> رسیدم و برادر امام ، زید نزد امام بود. معروف بن خربوذ مکنی آمد، امام باقر<sup>علیه السلام</sup> فرمودند : ای معروف ! از اشعار نو و تازهات بخوان . او از اشعار جدیدش خواند و فضایل اخلاقی راستود . وی این اشعار را انشاد کرد :

|                                     |                                   |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| بِسْوَانِ وَلَا بِضَعِيفِ قُوَّاهِ  | لِعْمَرِكَ مَا إِنْ أَبُو مَالِكَ |
| يُعَادِي الْحَكِيمَ إِذَا مَانَهَا  | وَلَا يُأْلِذَلَدَى فَولَهِ       |
| كَرِيمُ الطَّبَاعِ حَلَوْثَاهِ      | وَلَكِنَّهُ سَيِّدُ بَارَعِ       |
| وَمَهْمَا وَكَلَّتِ الْيَهْ كَفَاهِ | إِذَا شَدَّتِ سَدَّتِ مَطْوَاعَةِ |

قسم به جان خودت ، ابومالک دارای عیب و نقص نبوده وضعیف نیست . و در سخن گفتن لجوچ و معاند نیست که هرگاه شخص حکیمی او را نهی کند با او به دشمنی پردازد . بلکه آقایی است که برآفران خود برتری دارد و دارای خوبی و خصلت های پستنده است و دیگران او را به نیکی باد کنند . اگر بر او سیاست یابی او را در نهایت اطلاعات و فرمان برداری خواهی یافت و آنچه بر عهده او گذاری به خوبی از عهده اش برخواهد آمد .

جابر جعفی در پی انتشار این اشعار ، واکنش امام باقر<sup>علیه السلام</sup> را این چنین گزارش کرده است . فوضع محمد بن علی یده علی کتفی زید فقال : هذه صفتک با ابا الحسين<sup>۱</sup> ؛ پس امام باقر<sup>علیه السلام</sup> دست خود را برشانه های زید گذاشت و فرمود : این وصف و سیمای توست ای ابا الحسين .

امام باقر<sup>علیه السلام</sup> با این اقدام خویش ، اشعاری را که معروف به خربوذ در وصف الگوهای اخلاقی سرود ، بر برادر خویش زید تطبیق نمودند و جایگاه اخلاقی وی را

۱. شیع صدوق ، عینون اخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup> ، ج ۱ ، ص ۵۲۰ : همو الامالی ، ص ۳۴ : مجلسی ، محمد بن قرق ، بحار الانوار ، ج ۴۶ ، ص ۱۶۹ .

به مردم نشان دادند.

در حدیث دیگر امام باقر علیه السلام براذر خویش زید را زبان گویای خویش دانسته و فرموده اند: اما زید فلسانی الذى انطق به<sup>۱</sup>; اما زید پس زبان من است که با آن سخن می‌گویم.

براساس این حدیث، زید سخنگوی امام باقر علیه السلام بوده است. بنابراین زید در گفتار خویش با همانگی امام باقر علیه السلام سخن گفته است، پس هیچ انحرافی در گفتار وی روی نداده است.

این ستایش و ارادت و احترام و دفاع، دو طرفی و متقابل جریان یافته است.  
زید بر هشام - طاغوت زمان - وارد شد. هشام به براذر زید یعنی امام باقر علیه السلام اهانت کرد و گفت: ما فعل اخوک البقرة؟<sup>۲</sup>؛ براذر بقره چه می‌کند؟ وی لقب باقر براذر زید را تغییر داد و تبدیل به بقره (گاو) نموده و برای امام به کار برد. زید با قاطعیت از براذر خود امام باقر علیه السلام پشتیبانی و دفاع نمود و به هشام گفت: سمه رسول الله باقر العلم وانت تسمیه بقره لقد اختلفتما اذا، پیامبر خدا براذر را باقر العلم و شکافنده دانش نامیده است و تو او را بقره می‌نامی. در این مسئله تزویی پیامبر اختلاف پیدا کردید!

شیخ طبرسی در پی گزارش این گفت و گویی نویسد: چون زید به کوفه رسید اهل کوفه با اوی اجتماع نمودند و پیوسته با اوی برآمدگی برای جنگ با هشام بیعت می‌کردند، سپس بیعت با اوی را نقض کردند و او را تسلیم دشمن کردند، پس زید شهید شد و بین آنان چهار سال به دار زده شد. احدی آن کار را انکار نکرد و کسی آن کار را بادست وزبان سرزنش نکرد!<sup>۳</sup>

۱. امین، محسن، اعيان الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۰.

۲. شیخ طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۲۵۷-۲۵۸.

### زید در کلام امام جعفر صادق

امام جعفر صادق نیز شخصیت عمومی خوبیش زید راستوده و صفات زیبای وی را به همگان گوشتند کرده‌اند. زید از اصحاب سه امام معصوم بوده است. شیخ طوسی زید را تابعی می‌داند و او را در شمار اصحاب امام سجاد و امام باقر و امام صادق آورده است.<sup>۱</sup> بنابراین زید نزد سه حجت خدا آموخت دیده است و هرسه وی را به خوبی می‌شناخته‌اند و شخصیت او را ستایش کرده‌اند.

فضیل بن یسار از یاران زید در نبرد با طاغوت عصر بوده است. پس از شهادت زید مرکبی کرایه کرده و خود را به مدینه می‌رساند و خدمت امام صادق می‌رسد. وی گفته است: چون خدمت امام رسیدم، امام صادق به من فرمودند: ای فضیل با عمومیم زید چه کاری می‌شد؟ اشک در چشمانم حلقه زد. امام فرمود: او را شهید کردند؟ گفتم: آری. امام فرمود: او را دار زدند؟ گفتم: آری. امام گریست و اشک‌هایش همچون دانه‌های دز از دو طرف گونه‌های مبارکش می‌ریخت. سپس امام فرمود: فضیل آیا در جنگ با اهل شام همراه عمومیم زید بودی؟ گفتم: بله. امام فرمود: چند نفر از آنان را کشتنی؟ گفتم: شش نفر. فرمود: آیا در این جنگ شک و شببه‌ای داری؟ عرض کردم: اگر شک داشتم آنان را نمی‌کشتم. در این هنگام شنیدم امام صادق فرمود: اشکنی الله فی تلک الدماء، ما ماضی والله زید عتمی و اصحابه الا شهداء مثل ما ماضی علیه علیٰ بن ابی طالب و اصحابه<sup>۲</sup>; خداوند مرا در آن خون‌ها و ثواب نبرد شریک گرداند. به

۱. شیخ طوسی، الرجال، ص ۱۹۵، ۱۹۶ و ۱۲۲، ۸۹؛ موسوی خوبی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۴۵.

۲. شیخ صدوق، عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۲۲-۵۲۳؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۷۱.

خدا سوگند عمومیم زید و یارانش شهید شدند، همچون علی بن ابی طالب و یارانش !

امام صادق ع در این حدیث برای خویش از خداوند تقاضای مشارکت در ثواب نبرد زید با کفار و مشرکان را دارند و زید و اصحابش را شهید قطعی می‌دانند همانند شهادت امام علی ع و اصحاب خویش ! این نکته ها نشان دهنده سلامت و مشروعيت قیام زید و پاکی انگیزه‌ها و اهداف زید و اصحاب اوست . امام در این گفت و گوی پیرامون قیام زید ، در راستای شبیه زدایی و رفع شک از این قیام گام برداشته اند و برای آگاهی و اطمینان فضیل بن یسار و رفع تردید و نگرانی اش ، بر شهید شدن زید و یارانش تأکید نموده و آنان را با شهیدان نبردهای خلیفه پیامبر امیر مؤمنان امام علی ع با دشمنان و شهادت آنان می‌سنجدند .

عبدالله بن سیابه گفته است ما هفت نفر در مدینه خدمت امام صادق ع رسیدیم و خبر شهادت زید و یارانش را به امام دادیم . امام گریست و فرمود : انا اللہ و انا الیه راجعون . عند الله تعالیٰ أحشیب عمری ، إِنَّهُ كَانَ نَعْمَ الْعَمَّ إِنَّ عَمَّیْ كَانَ رَجْلًا لِّدُنِّیَا وَأَخْرَتِنَا ، مَضِيَّ وَاللَّهُ عَمَّیْ شَهِيدًا كَشَهَدَاءَ اسْتَشَهِدَوَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى وَالْحَسَنِ وَالْحَسِينِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ !

اجر خود را در این مصیبت از خدا خواستارم . او واقعاً عمومی خوبی بود . عمومی مردی برای دنیا و آخرت ما بود . به خدا سوگند عمومیم شهیدی است همچون شهادایی که در رکاب رسول خدا و علی و حسن و حسین صلوات الله عليهم شهید شدند .

در این حدیث نیز امام صادق ع به شهادت زید و اصحابش تصریح دارند و آنان را همانند شهداًی همراه پیامبر و علی و حسن و حسین ع می‌شمارند . امام

صادق عموی خویش زید را یاور دنیا و آخرت اهل بیت می‌دانسته‌اند.<sup>۱</sup>  
 فضیل رسان گفته است پس از شهادت زید در خانه‌ای در دل خانه دیگر  
 خدمت امام صادق رسیدم . امام پرسیدند: عمویم زید شهید شد؟ گفتم:  
 آری فدایتان شوم. امام فرمود: رحمة الله اما انه کان مؤمنا و کان عارفا و کان عالما  
 صدقها ، اما انه لو ظفر لوفی ، اما انه لومک لعرف کیف یضعها<sup>۲</sup>؛ خداش رحمت  
 کند! آگاه باش زید مؤمن بود و عارف بود و عالم صدق و درست گفتار و درستکار  
 بود. آگاه باش اگر پیروز می‌شد به وعده اش وفا می‌کرد . آگاه باش اگر زید حکومت  
 می‌کرد می‌دانست و می‌شناخت چگونه آن را قرار بدهد .

امام صادق به حسن بن راشد که در تقدیص زید حرف زد فرمودند: لاتفعل!  
 رحم الله عَمَّى<sup>۳</sup>؛ این کار را نکن ! خداوند عمویم را رحمت کند .

حمزه بن عمران گفته است پس از شهادت زید ، خدمت امام صادق رسیدم . امام فرمود: ای حمزه از کجا آمدی؟ گفتم: از کوفه . پس امام به گونه‌ای گریست که اشک‌های امام محسنهش را ترکرد . گفتم: ای فرزند پیامبر خدا چرا این قدر اشک ریختید و گریستید؟ امام فرمود: به یاد آوردم عمویم زید و آنچه را براو انجام شد، پس گریستم ... خداوند قاتل و خاذل زید را العنت کند و به سوی خداوند از آنچه به ما اهل بیت پس از رحلت پیامبرش انجام شد شکایت می‌کنم و ازاو علیه دشمنانمان کمک می‌طلیم .

ابوولاد کاهلی گفته است: امام صادق از من پرسیدند: آیا عمویم زید را دیدی؟ گفتم: آری ! او زابردار دیدم و مردم را دیدم گروهی زید را شماتت کرده و از

۱. اعین ، محسن ، اعیان الشیعه ، ج ۷ ، ص ۱۰۹ .

۲. مجلسی ، محمد بن القاسم ، بحار الانوار ، ج ۴۵ ، ص ۱۸۵ .

۳. همان ، ج ۴۶ ، ص ۱۷۲ - ۱۷۳ .

وی خشمگین بودند و گروهی اندوهگین و آتشین ! امام فرمود: اما گروه دوم پس با او در بهشت اند و اما شمات کننده پس شریک در خون اوست.<sup>۱</sup>

عیض بن قاسم گفته است: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: لاتقولوا خرج زید فان زیدا کان عالما و کان صدوقا ولم یذعکم الى نفسه انما دعاكم الى الرضا من آل محمد علیهم السلام ولو ظهر لوفی بما دعاكم اليه انما خرج الى سلطان مُخْتَمِع لینقضه؛ نگویید زید خروج کرد. همانا زید عالم و راستگوبود و شمارا به سوی خود نمی خواند. فقط شما را به الرضا من آل محمد علیهم السلام فرا خواند و اگر پیروز می شد به آنچه شمارا به آن دعوت کرد وفا می نمود. زید فقط علیه سلطان جامعه اش به پا خاست تا او را درهم شکند و نقض کند.

امام صادق علیه السلام از بازماندگان شهیدان قیام زید دلجویی کرد و مصیبت دیدگان را تسلیت داد.

عبدالرحمن بن سیابه گفته است: امام صادق علیه السلام هزار دینار به من دادند و به من امر کردند بین خانواده کسانی که با زید بودند و مصیبت دیدند تقسیم کنم، من هم تقسیم کردم و به عبدالله بن زبیر برادر فضیل رسان چهار دینار رسید.<sup>۲</sup>

### زید در کلام ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیهم السلام

امام رضا علیه السلام نیز از شخصیت عمومی خویش زید دفاع کرده و او را مجاهد راه

۱. امین، محسن، اعيان الشيعة، ج ۷، ص ۱۱۰.

۲. کلبی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۳۸۱؛ موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۴۶.

۳. شیع صدوق، الامالی، مجلس ۵۴، ص ۲۶۰؛ شیع مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۷۰؛ اربیلی، ابوالفتح، کشف الغمة فی معرفة الانتماء علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۴۲؛ شیع طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۲۵۸؛ موسوی خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۴۶.

خدا دانسته اند که مردم را به الرضا من آل محمد<sup>علیهم السلام</sup> دعوت کرده است . امام هشتم در گفت و گوی با مأمون در باره زید النار وزید بن علی بن الحسین<sup>علیهم السلام</sup> در برابر انتقاد مأمون از زید و اعتراض او بروی ، از عملکرد زید ستایش کردند و او را از علمای آل محمد<sup>علیهم السلام</sup> دانسته ، حرکت وی را جهاد در راه حق و تلاش برای تشکیل حکومت اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> نامیدند .

زمانی که زید بن موسی بن جعفر در بصره خروج کرد و خانه های بنی عباس را آتش زد او را نزد مأمون بردند ، مأمون جرم وی را به احترام برادرش علی بن موسی الرضا<sup>علیهم السلام</sup> بخشید و خطاب به امام رضائی<sup>علیهم السلام</sup> عرض کرد: اگر برادرت قیام کرده و چنین و چنان کرده، در گذشته نیز زید بن علی قیام کرده و چنین و چنان کرده، در گذشته نیز زید بن علی قیام کرد و کشته شد و اگر در رابطه با من موقعیت فعلی را نداشتید زید بن موسی را می کشتم، زیرا کارهای او کوچک نبوده است.

امام رضائی<sup>علیهم السلام</sup> فرمود: لاتقسى أخى زيدا الى زيدبن على، فائئه كان من علماء آل محمد<sup>علیهم السلام</sup>، غضب الله عزوجل فجاهد اعدائه حتى قتل فى سبيله؛ برادرم زید را با زید بن على مقایسه نکن ! زیرا زید بن علی از علمای آل محمد<sup>علیهم السلام</sup> بود، برای خدا غضب کرد و خشمگین شد؛ پس با دشمنان او جنگید تا در راه خدا کشته شد . امام در ادامه پاسخ به مأمون فرمود: لقد حدثنى ابى موسى بن جعفر<sup>علیهم السلام</sup> انه سمع ابا جعفر بن محمد بن على<sup>علیهم السلام</sup> يقول: رحم الله عمى زيدا انه دعا الى الرضا من آل محمد<sup>علیهم السلام</sup> ولو ظفر لوفى بما دعا اليه ولقد استشارتى فى خروجه فقلت له : يا عم ان رضيت ان تكون المقتول المصلوب بالكنيسة فشأنك، فلما ذلت قال جعفر بن محمد: ويل لمن سمع واعيته فلم يحبه؛ پدرم موسی بن جعفر<sup>علیهم السلام</sup> برایم نقل کرد که از پدرش جعفر بن محمد بن على<sup>علیهم السلام</sup> چنین شنیده است : خداوند عمویم زید را رحمت کند؛ زیرا او مردم را به رضا (شخصیت پسندیده) از آل محمد<sup>علیهم السلام</sup> دعوت

می کرد و اگر پیروز می شد به آنچه مردم را بدان دعوت می کرد وفا می نمود . زید با من درباره قیامش مشورت نمود، پس به او گفت: عموجان! اگر راضی هستی که کشته شوی و در محله کناسه جسدت را بردار آویزان کنند این کار را انجام بد! پس از رفتن زید، امام صادق علیه السلام فرمود: وای برکسی که فریاد اورا بشنود و اورا باری نکند.

مأمون گفت: يا اباالحسن آیا روایاتی در مذمت افرادی که به ناحق ادعای امامت می کنند وارد نشده است؟ امام رضا علیه السلام فرمود: ان زید بن علی لم یَدْعِ ما لیس له بحق و آئه کان اتقی اللہ من ذلک. إنه قال: أدعوكم الى الرضا من آل محمد علیهم السلام و انما جاء ما جاء فيمن یَدْعُ ان الله تعالى نص عليه ثم یَدْعُوا الى غير دین الله و یَضْلُّ عن سبیله بغير علم و کان زید والله ممن خوطب بهذه الآية. «وجاهدوا في الله حق جهاده هو اجتباكُم»<sup>۱</sup> (حج / ۷۸) زید ادعای ناحق نکرد. او با تقویات این بود که چنین کند. همانا او می گفت: شما را به الرضا من آل محمد علیهم السلام دعوت می کنم . روایاتی که آمده است درباره فردی است که ادعا کند خداوند او را به امامت برگزیده است و مردم را به غیر دین خدا دعوت کند و از روی ناآگاهی مردم را از راه خدا گمراه نماید و منحرف سازد. به خدا سوگند زید از مخاطبان این آیه بود: در راه خدا آن طور که شایسته جهاد در راه خداست جهاد کنید. او شما را برگزیده است.

عالی آل محمد علیهم السلام امام رضا علیه السلام در این کلام زیبا، شخصیت مقدس زید را به خوبی ترسیم نموده اند . زید بن علی را از «علمای آل محمد علیهم السلام» دانسته اند که برای خدا غصب کرد و اخلاص داشت و با دشمنان خدا جهاد کرد تا شهید شد و مقایسه وی با زید بن موسی بن جعفر نارواست . زید با مشورت با امام صادق علیه السلام

قیام کرد و با تقوابود و مصدق آیات جهاد در راه خدا شد و از مجاهدان بزرگ گردید. این تحلیل زیبا از اقدامات و شخصیت زید بن علی و دفاع از عملکرد وی، نشان دهنده جایگاه عالی زید در نگاه امامان علیهم است.

امام رضا<sup>علیه السلام</sup> یادآوری نموده اند که جد بزرگوارشان امام صادق<sup>علیه السلام</sup> برزید بالای دار نماز گزارده اند. ابوهاشم جعفری گفته است: از علی بن موسی الرضا<sup>علیه السلام</sup> درباره حکم مصلوب و به دار آویخته شده پرسیدم. امام فرمود: أما علمت أن جَدِي صَلَى عَلَى عَمِّهِ؟ أَيَا نَمِيَّ دَانِيَ جَدَمْ بِرْعُمُوِيشْ نَمَازَ مِيتَ خَوَانَدْ؟! مطابق این گزارش رضوی، امام معصوم برای اقامه نماز میت برزید بن علی در زمانی که به دار زده شده بود به کناسه کوفه رفته اند و بروی نماز گزارده اند.

### تحلیل اندیشمندان شیعه امامیه از شخصیت زید

زید نزد همه علمای شیعه شخصیت مورد اعتماد و راوی موثق و معتبری است. همه فقیهان و محدثان و متفکران علم رجال، زید بن علی را شخصیت مقدس و چهره الهی و غیر قابل خدشه دانسته اند. هر آنچه در کتب رجالی و حدیثی درباره زید وجود دارد و محتوای آن دارای ابهام و شباهه در مورد زید است روایات ضعیف و فاقد اعتباری باشد و علیه زید ساخته شده است.

شیخ صدق در کتاب عيون اخبار الرضا<sup>علیه السلام</sup> که ویژه احادیث رضوی است در پایان «باب ماجاء عن الرضا<sup>علیه السلام</sup> فی زید بن علی<sup>علیه السلام</sup>» از روش خود در کتاب خارج می شود و می نویسد: محمد بن علی بن حسین مصنف این کتاب گوید: برای زید بن علی فضیلت های بسیاری از غیر امام رضا<sup>علیه السلام</sup> است. دوست داشتم برخی از آن احادیث سایر امامان را در پی این حدیث ذکر کنم تا هر کس در این کتاب ما

نگاه می کند اعتقاد امامیه در بارهٔ زید را بداند.<sup>۱</sup> سپس شش حدیث از امامان، سراسر در فضیلت و ستایش و توصیف زید بن علی می آورد.

علامه مجلسی نیز در پایان بحث از احادیث پیرامون زید بن علی می نویسد: بدان که اخبار در احوال زید و امثال او همان طوری که آگاه شدی اختلاف و تعارض دارد، لکن اخبار دلالت کننده بر جلالت و مدح زید و عدم ادعای غیر حق از سوی وی زیادتر است. به تحقیق اکثر اصحاب بر علوشان زید حکم کرده‌اند؛ پس مناسب و سزاوار حسن ظن به زید و عدم قدح در وی، بلکه عدم تعرض به امثال وی از فرزندان معصومان علیهم السلام است.<sup>۲</sup>

قدس اردبیلی در کتاب رجالی خویش زید را مدنی تابعی می داند و می نویسد: هو جلیل القدر عظیم المنزلة قتل فی سبیل الله و طاعته . ورد فی علوقدره روایات پیغیق المقام عن ایرادها<sup>۳</sup>؛ زید جلیل القدر و بزرگ منزلت است، در راه خدا و طاعت او شهید شده است. در علوقدرش روایاتی وارد شده است که مقام گنجایش آوردن آنها را ندارد.

شیخ مفید در وصف زید نوشته است: <sup>۴</sup> زید بن علی بن الحسین پس از امام باقر علیه السلام بر حسته و برگزیده و شریف ترین و بزرگوارترین و برترین برادران ایشان است و مردی عابد و با ورع و فقیه و با سخاوت و شجاع بود. برای امر به معروف و نهی از منکر با شمشیر قیام کرد و خون خواهان امام حسین علیه السلام را طلب نمود. وی در ادامه می نویسد: بسیاری از شیعیان در زید اعتقاد به امامت پیدا کردند و

۱. شیخ صدق، عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۱۷.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۰۵.

۳. قدس اردبیلی، جامع الرواۃ، ج ۱، ص ۳۴۳.

۴. شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۶۸.

سبب این اعتقاد آنان، خروج و قیام زید با شمشیر شد که مردم را به سوی الرضا من آل محمد علیهم السلام فراخواند، پس گمان برداشت منظورش از این فراخوان خودش می‌باشد و او چنین مقصودی نداشت، چون به استحقاق برادرش امام باقر علیه السلام برای امامت پیش از خود شناخت داشت و از وصیت ایشان هنگام وفاتش به امام صادق علیه السلام آگاه بود.

شیخ طبرسی نیز شبیه جمله شیخ مفید را دارد و می‌نویسد:<sup>۱</sup> زید بن علی بن الحسین بعد از امام باقر علیه السلام بهترین برادران امام بود. عابد با ورع و با سخاوت بود و با شمشیر قیام کرد. خون خواهان حسین علیه السلام را طلب نمود و به سوی الرضا من آل محمد علیهم السلام دعوت می‌کرد.

ابوالفتح اربلی نیز عین عبارت شیخ مفید را آورده و با همین جمله نظر تحقیقی خویش را اعلام نموده است.<sup>۲</sup>

علامه سید محسن امین در وصف زید نوشته است:<sup>۳</sup> علمای اسلام بر فضل و نجابت و هوشیاری و برگزیدگی و بلندی و اوج مقامش اتفاق دارند، همان طور که بخش عظیمی از روایات برهمین برتری اتفاق دارند، جزو روایات کمی، که صلاحیت و شایستگی معارضه با معظم روایات را ندارد. وی در ادامه بحث روایات موهم قدح را طرح و بررسی سنده می‌کند و آنها را رد می‌نماید.

سید علی خان حویری نوشته است:<sup>۴</sup> زید از بهترین و برگزیدگان فرزندان ائمه معصومین علیهم السلام بود و در او فضل و تقوا و زهد و ورع چنان بود که با آن بر غیر خود

۱. شیخ طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۲۵۶.

۲. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، کشف الغمة فی معرفة الانتماء علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۴۱.

۳. امین، محسن، اعيان الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۷.

۴. همان، ص ۱۰۸.

برتری می یافت و جز آنمه معصومین <sup>علیهم السلام</sup> کسی به فضیلت او نبوده است.  
شیخ بهایی نوشته است: ماگروه امامیه درباره زید جز خیر نمی گوییم و امام  
جعفر صادق <sup>علیهم السلام</sup> زیاد می گفت: خداوند عمومیم زید را رحمت کند.<sup>۱</sup>  
شیخ عباس قمی می گوید: ظهور کمالات نفسانی و مجاهدات زید بن علی با  
مژده مروانی مستغنى از توصیف است، صیت فضل و شجاعت او مشهور و ماثر  
سیف و سنان او در السننه مذکور.<sup>۲</sup>

رجالی بزرگ معاصر آیة الله العظمی خوبی در کتاب رجالی خویش روایات مدح  
زید را آورده و صحت آنها را به اثبات رسانده و مستفیض می داند و چند روایت را  
که در قدح زید است با دقت رجالی بررسی نموده و همه را ضعیف شمرده ورد  
می کند و اعتقاد دارد ارسال روایات وجود افراد مجھول یا ضعیف در سنده آنها  
موجب بی اعتباری آنهاست. در پایان می نویسد: از آنچه ذکر کردیم حاصل و ثابت  
شد که زید جلیل و سنتوده شده است و در اینجا چیزی که برقدح یا انحراف زید  
دلالت نماید نیست. در ادامه در بحث از طبقه زید در حدیث، بیاد آوری می کند  
که زید در اسناد شصت و چهار روایت قرار دارد.<sup>۳</sup>

### نتایج

این پژوهش نشان داد در اعتبار کلام و ارزش رفتار و وثاقت و عدالت زید بن  
علی بن الحسین <sup>علیهم السلام</sup> هیچ شک و تردیدی وجود ندارد. زید پس از ابواسحاق مختار  
بن ابی عبیده ثقیلی، در قیام علیه بنی امية پیشگام بوده است و اقدامات و  
فعالیت‌های مؤثری بر ضد آنان داشته است.

۱. همانجا.

۲. قمی، شیخ عباس، متهی الامال، ج ۲، ص ۳۴.

۳. موسوی خوبی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۳۵۶.

بی شک تبلیغات امویان علیه زید پس از شهادت وی جریان داشته است و یکی از راه های تهاجم آنان علیه زید جعل و تحریف حدیث بوده است. بنی امیه هم احادیثی را به نام معصومان علیهم السلام علیه زید جعل کرده اند و هم در برخی از احادیث دست برده و آن را تحریف کرده اند تا در شخصیت زید ابهام و شباهه ایجاد نمایند.

باید در شناخت شخصیت مذهبی زید براساس بررسی و تحلیل احادیث به این واقعیت توجه نمود که با بررسی سند روایات قدح و ایهام آور روشن می شود این روایات ضعیف و فاقد اعتبار است. این مطالعه و بررسی را مورخان و محدثان و به ویژه دورجالی معاصر آیة الله العظمی سید ابوالقاسم موسوی خویی و سید محسن حکیم انجام داده اند و دستاورد آن مطالعات این است که هیچ سند و مدرک حدیثی دارای اعتبار که دلالت بر قدح یا انحراف زید داشته باشد وجود ندارد. با این تحقیق این حقیقت آشکار شد که تنها از پیامبر خدا حضرت محمد صلوات الله علیه و آله و سلم، چهار حدیث در مدح زید در کتب حدیثی وجود دارد. مطالعه و بررسی مفاد این احادیث جایگاه عالی زید در معارف نبوی را واضح نمود. پیامبر خدا دشمنان زید را اهل جهنم، وزید و اصحاب وی را اهل بهشت دانسته اند و از ورود بی حساب قهرمانانه وبا افتخار آنان به بهشت یاد نموده اند. پیامبر اسلام به زید بن حارثه همنام زید، تنها به دلیل همنامی با زید احترام گذاشته و اظهار محبت کرده اند و زید را حبیب خود از اهل بیت نامیده اند.

یک حدیث نیز از امام علی علیهم السلام در مورد زید وجود دارد. و در این حدیث معتبر علوی، زید از اهل بیت و داعی به سوی حق شناخته شده است و امام فرمان بر نصرت ویاری او صادر فرموده اند.

با توجه همین نکته هاست که حقانیت راه و روش و قداست شخصیت مذهبی

زید آشکار می‌گردد. زید خطبه حضرت فاطمه زهراء<sup>علیها السلام</sup> را از عمه اش حضرت زینب<sup>علیها السلام</sup> فراگرفته است و خود را فرزند علی و فاطمه<sup>علیهم السلام</sup> معرفی نموده است. وی دشنام دهنده به فاطمه<sup>علیها السلام</sup> را مهدور الدم شمرده و مجری حکم راستوده و تشویق نموده است. امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> با الهام از آیات جهاد و شهادت در قرآن کریم نام فرزند خویش را زید نهاده‌اند. امام چهارم<sup>علیه السلام</sup>- پدر زید - نیز در کلام خویش، زید را شخصیتی دانسته اند که درهای آسمان‌ها به رویش گشوده خواهد شد و روحش به آسمان‌ها بالا می‌رود و اهل آسمان از دیدن زید شاد و خوشحال و سرافراز می‌گردند. زید کاتب دعا‌های صحیفه سجادیه پدر خویش واژ پیشگامان تصنیف در اسلام، و نخستین مصنف در بخش دعا‌های امامان<sup>علیهم السلام</sup> است. برادر زید، امام محمد باقر<sup>علیه السلام</sup> نیز او را سید اهل بیت ودادخواه و خون‌خواه اهل بیت دانسته و گفتار و رفتار او را تصدیق نموده اند. اورالسان وزبان خویش دانسته و شخصیت اخلاقی شمرده اند.

امام جعفر صادق<sup>علیه السلام</sup> بر شهادت زید عمومی خویش گریسته اند و بارها برای او تقاضای رحمت نموده اند و اوی واصحابش را در جایگاه شهیدانی بزرگ همانند شهیدان همراه امام علی<sup>علیهم السلام</sup> و سید الشهداء<sup>علیهم السلام</sup> و حتی رسول الله<sup>علیهم السلام</sup> قرار داده اند. اورا مؤمن و عارف و عالم و صدق و کرامه ای دار نماز گزارده اند و به خانواده وقاتلان اورا لعنت کرده اند و بربدن وی بالای دار نماز گزارده اند و به خانواده بازماندگان شهیدان قیام زید کمک نموده اند.

امام رضا<sup>علیه السلام</sup> نیز در برابر هشام از زید دفاع کرده و مقایسه زید بن علی با زید بن موسی را نادرست دانسته اند و زید را از علمای آل محمد<sup>علیهم السلام</sup> شمرده اند که برای خدا غضب کرد و مجاهد فی سبیل الله بود. متفکران شیعی بر طبق همین احادیث در تحلیل شخصیت زید، اورا در میان امامزادگان در تاریخ امامت و تشیع بی نظیر شمرده اند.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی‌تا.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الامالی، بیروت، موسسه التاریخ العربی، ۱۴۳۰ق / ۲۰۰۹م.
۴. \_\_\_\_\_، عيون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۲ش.
۵. اربیلی، ابوالحسن علی بن عیسیٰ بن ابی الفتح، کشف الغمة فی معرفة الانہمة علیہ السلام، تعلیق هاشم رسولی، دارالکتاب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۱ق / ۱۹۸۱م.
۶. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تصحیح علی اکبر غفاری، کتاب فروشی صدوق، تهران، ۱۳۴۹ش.
۷. الهی قمشه‌ای، مهدی، صحیفه کامله سجادیه، هاتف، مشهد، ۱۳۹۳ش.
۸. امام خمینی، روح الله، صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ش.
۹. امامی، محمد جعفر و محمد رضا آشتیانی، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، اسوه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ش.
۱۰. امینی، محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳ (قطع رحلی).
۱۱. خلجمی، محمد تقی، صحیفه کامله سجادیه امام علی بن الحسین علیه السلام، نشر پیام مهدی علیه السلام، قم، ۱۳۸۲ش.
۱۲. داماد، سید محمد باقر، شرح الصحیفه الكاملة السجادیة، تحقیق مهدی رجائی، مهدیه میرداماد، اصفهان، ۱۴۰۶ش.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، المکتبة العلمیة الاسلامیة، تهران، ۱۳۲۸ق.
۱۴. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الرجال، تحقیق و تعلیق محمد صادق آل بحرالعلوم، المکتبة والمطبعه الحیدری، نجف، ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۱م.

۱۵. فیض الاسلام ، سید علی نقی ، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه ، به خط طاهر خوشنویس ، تهران ، ۱۳۷۵ق .
۱۶. قمی ، عباس ، سفينة البحار و مدينة الحكم والآثار ، دارالمرتضی ، بیروت ، بی تا .
۱۷. ——— ، متهی الامال فی ذکر تواریخ النبی والآل علیہما السلام ، به خط طاهر خوشنویس ، کتاب فروشی اسلامیه ، تهران ، ۱۳۷۱ق / ۱۳۳۱ش .
۱۸. کشی ، محمدبن عمر بن عبد العزیز ، اختیار معرفه الرجال ، معروف به رجال کشی ، تصحیح و تعلیق حسن مصطفوی ، با مقدمه محمد واعظ زاده خراسانی ، دانشکده الهیات ، مشهد ، ۱۳۴۸ش .
۱۹. کلینی رازی ، ابو جعفر محمد بن یعقوب ، الكافی ، دارصعب و دارالتعارف للمطبوعات ، بیروت ، چاپ سوم ، ۱۴۰۱هـق .
۲۰. مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الانمة الاطهار علیہما السلام ، موسسه الوفاء - دار احیاء التراث العربي ، بیروت ، چاپ سوم ، ۱۴۰۳هـق / ۱۹۸۳م .
۲۱. مسعودی ، ابوالحسن علی بن حسین ، مروج الذهب ومعادن الجوهر ، دارالهجره ، قم ، ۱۴۰۴ق / ۱۳۶۳ش .
۲۲. مفید ، محمدبن محمدبن نعمان ، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد ، ترجمه و شرح هاشم رسولی محلاتی ، انتشارات علمیه اسلامیه ، تهران ، چاپ دوم ، بی تا .
۲۳. ——— ، الامالی ، تحقیق علی اکبر غفاری و حسین استاد ولی ، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجمعیۃ المدرسین ، قم ، ۱۴۲۵ق .
۲۴. مقدس اردبیلی ، محمدبن علی ، جامع الرواۃ و ازاحة الاشتباہات عن الطرق والاسناد ، کتابخانه آیة الله العظمی مرعشی نجفی ، قم ، ۱۴۰۳ق .
۲۵. نوری ، حسین بن محمد تقی ، مستدرک الوسائل و مستبط المسائل ، مؤسسه آل البيت علیہما السلام ، قم ، ۱۴۰۸ق .